



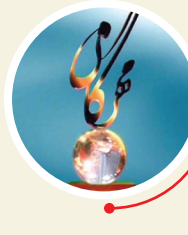
رمان گرافیکی ریدلی اسکات

نسخه اولیه پروژه جدید ریدلی اسکات، فیلمساز نامدار سینمای جهان، امروز رونمایی می‌شود؛ اما این بار نه روی پرده سینما یا تلویزیون، بلکه در قالب یک رمان گرافیکی با عنوان «هاید». این اثر با الهام از داستان کلاسیک «ماجرای عجیب دکتر جکیل و آقای هاید» نوشته رابرت لویی استیونسون و با همکاری شرکت تولیدی Mechanical Cake خلق شده است. جانی دپ، بازیگر مطرح هالیوود، در این پروژه چهره و صدا به شخصیت اصلی یعنی هاید می‌دهد و از ابتدای تولید در خلق آن مشارکت داشته است. دپ در بیانیه‌ای گفته است: «ساختن در دنیای شخصیت‌های درخشان و پذیرفته شدن در چشم‌انداز ریدلی اسکات و از همه عجیب‌تر، داشتن این فرصت برای کاوش، برای من شگفت‌انگیز است و شاید برای خودش هم شگفت‌انگیز باشد. این اعتماد از سوی ریدلی، یک استاد، دیوانه‌وار و درعین حال زیباست.»



نمایش فیلم جارموش در ونیز

فیلم جدید جیم جارموش با نام «پدر مادر خواهر برادر» در بخش مسابقه جشنواره فیلم ونیز ۲۰۲۵ به نمایش درمی‌آید. این نخستین حضور جارموش در بخش اصلی جشنواره است. فیلم جدید جارموش ساختاری سه‌بخشی دارد که به روابط میان فرزندان بزرگسال، والدین دورافتاده‌شان و خودشان می‌پردازد. هر بخش در زمان حال روایت می‌شود، اما در مکان‌هایی متفاوت. این فیلم همچون آثار دیگر جارموش، آمیزه‌ای از طنز و اندوه در قالب مطالعه‌ای شخصیت‌محور است. در این فیلم بازیگران مطرحی چون تام وینس، آدام درایور، کیت بلانشت، نقش آفرینی می‌کنند. فیلمنامه فیلم پدر مادر خواهر برادر را خود جارموش نوشته است و در صاحبه‌ای با گاردین گفته که فیلمنامه را با در نظر گرفتن بازیگران خاصی نوشته است. او درباره ماهیت فیلم نیز در بیانیه‌ای مطبوعاتی گفته است: «نوعی ضدآکشن با سبکی آرام و ظریف است که به جزئیات کوچک اجازه می‌دهد به تدریج شکوفا شوند، مثل گل‌هایی که با دقت در سه ترکیب لطیف چیده می‌شوند.»



فراخوان جایزه ادبی مهرگان

دبیرخانه جایزه ادبی مهرگان با انتشار فراخوانی، از ناشران و نویسندگان دعوت کرد تا آثار خود را برای شرکت در بیست‌وپنجمین و بیست‌وششمین دوره این جایزه ارسال کنند. این فراخوان شامل بخش‌های «بهترین رمان و مجموعه داستان کوتاه زبان فارسی» و «بهترین رمان و مجموعه داستان زبان مادری» است. آثار باید چاپ اول بوده و در فاصله سال‌های ۱۴۰۲ تا ۱۴۰۳ در ایران منتشر شده باشند. متقاضیان تا ۳۱ شهریور ۱۴۰۴ (۲۲ سپتامبر ۲۰۲۵) فرصت دارند سه نسخه از هر عنوان را به دبیرخانه ارسال کنند. همچنین نویسندگان خارج از کشور می‌توانند آثار منتشرشده یا در دست انتشار خود را در بازه ژانویه ۲۰۲۴ تا دسامبر ۲۰۲۵ به صورت فایل PDF یا نسخه چاپی تا ۲۰ ژانویه ۲۰۲۶ ارسال کنند. در بخش زبان مادری، آثاری که ابتدا به زبان مادری نویسنده در جغرافیای فرهنگی ایران نوشته و سپس به فارسی ترجمه شده باشند نیز مشمول فراخوان اند؛ برای این بخش بازه زمانی انتشار از ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۳ در نظر گرفته شده است.



در اهمیت متا اقتصاد به زعم توماش زدلچک در علم اقتصاد فلسفه، الاهیات و شعر همان قدر اهمیت دارند که ریاضیات

تبیین وضعیت آرمانی را مشخص می‌کند» پس نیازمند بهره‌گیری از سایر حوزه‌های معرفت نظیر فلسفه، دین، الاهیات، افسانه‌ها و... است و با این تفاسیر «از فیلسوفان و افسانه‌ها و ادیان و شاعران مان دست‌کم همان اندازه حکمت می‌توان آموخت که از الگوهای ریاضی دقیق و صریح رفتار اقتصادی.» با این تفاسیر اگر با جان استوارت میل موافق باشیم که «کسی که فقط اقتصاددان سیاسی است و نه چیز دیگر احتمالاً اقتصاددان سیاسی خوبی نخواهد شد» پس لابد زدلچک حق دارد بنویسد: «هیچ‌کسی که فقط و فقط اقتصاددان باشد هرگز اقتصاددان خوبی نخواهد بود».

▼ خطر تقلیل آدمی به انسان اقتصادی

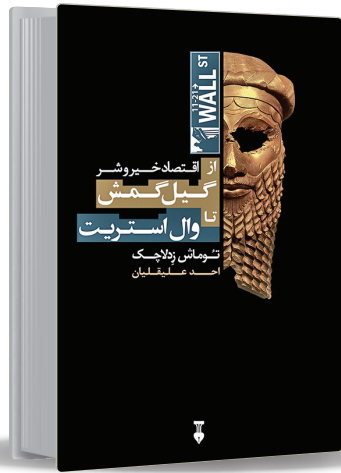
زدلچک «اقتصاد را نه فقط پژوهش ریاضی بلکه در واقع پدیده‌ای فرهنگی و محصول تمدن می‌داند: اقتصاد که کار خود را از فلسفه آغاز کرد با تاریخ و افسانه و دین و اخلاق درهم تنیده است.» پس چاره‌ای نیست جز آن که به متا اقتصاد (metaeconomics) بازگردیم و به سؤالاتی بنیادین برسیم: آیا اقتصاد خیر و شر وجود دارد؟ فایده اقتصاد چیست؟ آیا خیر به لحاظ اقتصادی صرفه دارد؟ یا خیر در بیرون از حساب اقتصاد وجود دارد؟ آیا خودخواهی در ذات بشر است؟ آیا اگر خودخواهی به خیر عمومی منجر شود موجه است؟ آیا از نظر اخلاقی می‌توانیم هر آن‌چه را به لحاظ فنی قادر به انجام آنیم، انجام دهیم؟

فلسفه به ما کمک می‌کند فرضیه‌های غالب نهفته و تاریخی در نظریه‌های اقتصادی را در باییم و اسیر جزم‌های ریاضی گونه‌ای که اقتصاد را به علمی تهی از اخلاق بدل می‌کنند، نشویم: «اقتصاددانان طرفدار جریان غالب بسیاری از رنگ‌های اقتصاد را وانهاده و بیش از اندازه دل مشغول موج سیاه و سفید انسان اقتصادی شده‌اند که موضوعات خیر و شر را نادیده می‌گیرد، ما دستان دستی خود را کوک کرده ایم، کوری نسبت به مهم‌ترین نیروهای پیش‌برنده کنش‌های انسانی.» از نظر زدلچک، اقتصاد علمی عاری از ارزش

معرفی کتاب

اقتصاد خیر و شر: جستجوی معنای اقتصاد از گیل گمش تا وال استریت

نویسنده: توماش زدلچک
مترجم: احد علیقلیان
انتشارات: فرهنگ نشر نو
قیمت: ۶۵۰ هزار تومان



نیل به چنین آرمانی، معتقد است علم اقتصاد لازم است روایت‌هایی از زندگی انسان به دست دهد. اگر انسان همان موجود خودخواه منفعت‌طلبی بود که همواره در پی افزایش سود خویش است آنگاه این امر که اقتصاد در دایره تنگ روش‌های فنی اقتصادسنجی و یافتن الگوهای تخصیص منابع محدود بماند، بالامان می‌نمود و بنابراین رشته اقتصاد شاید جز ریاضیات به دانشی دیگر نیازمند نبود. زدلچک با همین پیش‌فرض مخالفت دارد و معتقد است نادیده گرفتن وجوه غیرعقلانی و احساسات عاطفی بشری باعث شده است در اقتصاد راهی خلاف واقعیت‌های جامعه بشری در پیش گرفته شود.

جدا از آن که به زعم زدلچک «حتی پیچیده‌ترین الگوی ریاضی هم در واقع داستان و حکایت است؛ کوشش ماست برای فهم عقلانی جهان پیرامون ما» و این نکته را می‌افزاید که چون «علم اقتصاد هم جهان را توصیف می‌کند و هم معیارهای بهنجاری را

فرزاد نعمتی

خبرنگار گروه فرهنگ



رشته اقتصاد برای بسیاری از مردم و حتی دانشجویان رشته‌های دیگر، رشته‌ای کسل‌کننده می‌نماید، زیرا بیشتر محاسبه‌های پیچیده و روش‌های پوزیتیویستی را به ذهن متبادر می‌کند. بالین همه، خواندن کتاب برخی از اقتصاددانان تجربه‌ای سراسر متفاوت از این تصور را رقم می‌زند. فریدریش فون هایک و توماش زدلچک از این جمله هستند؛ دو اقتصاددانی که وجه اشتراکشان، مخالفت با پوزیتیویسم رایج در مطالعات اقتصادی است. فروش کتاب‌های زدلچک اقتصاددان ۴۸ ساله این‌ها چک نیز نشان می‌دهد سخن او می‌تواند برای عموم مردم جذابیت داشته باشد. «اقتصاد خیر و شر» از جمله این آثار است که در آن نویسنده به جستجوی اندیشه اقتصادی در افسانه‌های کهن، دین، الاهیات، فلسفه و علم و بالعکس جستجوی این معارف در اقتصاد برمی‌آید، زیرا او بر این عقیده راسخ است که «تقریباً همه مفاهیم اصلی که اقتصاد بر پایه آن عمل می‌کند، هم آگاهانه و هم ناخودآگاهانه، تاریخی طولانی دارد و ریشه آن‌ها عمدتاً بیرون از دایره اقتصاد است و معمولاً یکسره خارج از حیطه علم.»

▼ هدف علم اقتصاد زندگی خوب است

زدلچک هدف از علم اقتصاد را زندگی خوب معرفی می‌کند و می‌گوید این نه امری تخصصی که موضوعی هنجاری است و بنابراین او بر خلاف توصیه کسانی چون میلتون فریدمن مبنی بر این که اقتصاد باید علمی تحقیقی و از لحاظ هنجاری خنثی باشد که بگانه هدف خود را توصیف جهان چنان که هست تعریف کند، آرمان واقعی اقتصاد را تجویز جهان آن گونه که باید باشد می‌داند و برای

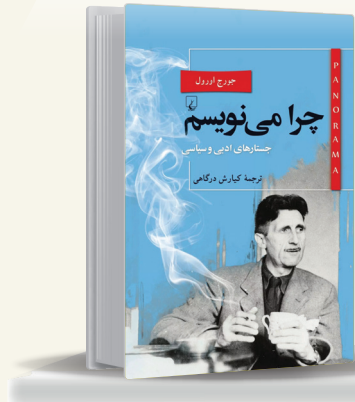
از زیبایی شناسی کلمات تا مبارزه با استبداد

جورج اورول در «چرا می‌نویسم»

از انگیزه‌های شخصی و اجتماعی اش برای نوشتن می‌گوید

معرفی کتاب

چرا می‌نویسم
نویسنده: جورج اورول
مترجم: کیارش درگاهی
انتشارات: ققنوس
قیمت: ۱۵۰ هزار تومان



علی ورامینی

دبیر گروه فرهنگ



«از همان اوان کودکی، شاید از پنج‌باشش سالگی، می‌دانستم باید در بزرگسالی نویسنده شوم». این اولین جمله مقاله بلندی از جورج اورول است. شاید خیلی از نویسندگان این جمله را در وصف خودشان گفته باشند، اما حیات فکری و اجتماعی اورول نشان داد که حقیقتاً او باید نویسنده می‌شده. باری، اگر بخواهیم از میان نویسندگان قرن بیستم، چهره‌ای را بیابیم که در میان اهالی کتاب ایرانی با صدای رساتر شناخته شده باشد، نام جورج اورول بیش از هر کس دیگر در ذهن هانقش می‌بندد. اما این شناخت، اغلب تنها به یک اثر خلاصه می‌شود: «مزرعه حیوانات» در حالی که اورول، این نویسنده به معنای واقعی آتش‌به‌جان، بسیار فراتر از این رمان تمثیلی و طنزآلود بود. او

تنها یک داستان نویس نبود، بلکه روزنامه‌نگاری تیزبین، مقاله‌نویسی جسور و انسانی سرشار از دغدغه‌های اخلاقی و اجتماعی بود که قلمش همواره برای آزادی و انسانیت می‌چرخید. در ایران، نام او بیشتر با همان کتابی شناخته می‌شود که در مزرعه‌ای حیواناتش علیه انسان‌ها شور می‌کنند و خیلی زود خود گرفتار دیکتاتوری جدیدی می‌شوند. این کتاب، به‌ویژه پس از انقلاب‌ها و تغییرات سیاسی، بارها

در دست مخاطبان ایرانی چرخیده و نمادی از فساد قدرت و خیانت آرمان‌ها شده است. اما کمتر کسی می‌داند که اورول، همان مردی که آن رمان را نوشت، سال‌هایی را در آتش جنگ داخلی اسپانیا گذرانده بود؛ آنجا که به عنوان یک مبارز داوطلب علیه فاشیسم جنگید و زخم گلوله بر گردنش حک کرد. کمتر کسی از این می‌داند که او تجربه زیستن در فقر، آوارگی و آوارگی در لندن و پاریس را با پوست و گوشت خود لمس کرده بود، و همین تجربیات بود که در کتاب‌هایی چون «به سوی کاتالونیا» و «آس و پارس‌ها در پاریس و لندن» جان گرفت. از دلایل اینکه اورول را در ایران بیشتر با «مزرعه حیوانات» و بعدها «۱۹۸۴» می‌شناسند این است که این دو رمان، با زبانی ساده و تمثیلی حرف‌هایی زدند که فراتر از مرزها و زمان‌ها می‌روند. این دو اثر، به‌ویژه «مزرعه حیوانات»، در ترجمه‌های گوناگون قانونی و زیرزمینی در ایران بارها و بارها منتشر شده‌اند. اما اورول فقط این دو کتاب نیست. او مقاله‌هایی همچون «چرا می‌نویسم» دارد که در آن با صداقت کم‌نظیری انگیزه‌های نویسندگی خود را شرح می‌دهد: از شوق زیبایی کلمات گرفته تا رسالت سیاسی و مبارزه با دروغ. در این مقاله، اورول از تجربه‌های کودکی و دوران جوانی‌اش آغاز می‌کند و می‌گوید همیشه در درونش یک حس قوی برای داستان‌گویی و بیان واقعیت‌ها وجود داشته است. او نوشتن را نه فقط یک فعالیت خلاقانه، بلکه یک وظیفه اخلاقی و اجتماعی می‌داند. مقاله چرا می‌نویسم (Why I Write) جورج اورول اولین بار در تابستان سال ۱۹۴۶ در مجله‌ی Gangrel، که یک فصلنامه‌ی ادبی-هنری بریتانیایی است، منتشر شد.